



بژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، دوره ۱۳، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوره انتشار: شش ماهنامه * شاپا چاپی: 3472-2322 * شاپا الکترونیک: 3402-2717

doi <https://doi.org/10.22067/irlip.2024.81556.1371>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

مقاله پژوهشی



توسعه‌ی حق آزادی اجتماعات از مجرای آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر

ضیاءالدین صبوری^۱، سید بهنام مهردل^۲

چکیده

حق آزادی اجتماعات از مهم‌ترین حق‌های بشری و از مؤلفه‌های مشارکت سیاسی شهروندان برای دستیابی به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در یک حاکمیت دموکراتیک است. بسیاری از فعالان حقوق بشر معتقدند دادگاه اروپایی حقوق بشر نقش بی‌بدیلی در توسعه تدریجی مفهوم و اعمال حق‌ها داشته است. از اینرو پژوهشگران در این تحقیق درصددند برای اثبات این نظر آرای مختلف دادگاه اروپایی حقوق بشر در باب حق آزادی اجتماعات را مورد کندکاو قرار دهند، لذا موضوعی که در این پژوهش مطرح گردیده، این است که: «آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر تا چه حد در توسعه‌ی حق آزادی اجتماعات تأثیرگذار بوده است؟» و در نتیجه‌گیری این فرضیه تأیید قرار گرفته است که: «دادگاه در توسعه‌ی حق اجتماعات هرچند به صورت تدریجی نقش تأثیرگذاری ایفا می‌نماید». این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و از هدف توسعه‌ای پیروی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: حق آزادی اجتماعات؛ حقوق بشر؛ دادگاه اروپایی حقوق بشر؛ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.



۲۱۹

توسعه‌ی حق آزادی اجتماعات از مجرای آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر

۱ دانش‌آموخته دکتری تخصصی روابط بین‌الملل و رئیس هیأت مدیره انجمن علمی ایرانی روابط بین‌الملل، نویسنده مسئول:

ziasabouri@gmail.com, ORCID 0000-0003-0673-9271

۲ دانش‌آموخته دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل و عضو پیوسته انجمن علمی ایرانی روابط بین‌الملل

mehrdel@iran.ir, ORCID 0000-0002-0130-3017

Development of the Right to Freedom of Assembly through the European Court Of Human Rights

Ziauddin Sabouri¹, Seyyed Behnam Mehrdal²

Abstract

The right to freedom of assembly is one of the most important human rights and the components of political participation of citizens to achieve economic, social and cultural rights in a democratic government.

Human rights activists believe that the European Court of Human Rights has played an irreplaceable role in the gradual development of the conceptual and operational definition of rights.

In this Paper, the researchers are trying to examine the different opinions of the European Court of Human Rights regarding the right to freedom of assembly; examine the procedure of the judges of this court.

Therefore, the main topic in this research is: "To what extent have the judgments of the European Court of Human Rights been effective in the development of the right of assembly?" And in the conclusion, this hypothesis has been confirmed that: "the court plays an influential role in the development of the right of associations, albeit gradually". This research is a descriptive-analytical type and follows a developmental goal.

Keywords: The right to freedom of assembly; Human rights; European Court of Human Rights; European Convention on Human Rights.



۲۲۰

پژوهش نامه ایرانی

سیاست بین الملل،

سال ۱۳، شماره ۱، شماره

پیاپی ۲۵، پاییز و زمستان

۱۴۰۳

1- PhD in International Relations & President of the Iranian International Studies Association (IISA)

2- PhD in international law & a permanent member of the Iranian International Studies Association (IISA)

مقدمه

آزادی تجمعات مسالمت آمیز، همراه با آزادی بیان و آزادی تشکل‌ها؛ هسته اصلی هر نظام سیاسی دموکراتیک کارآمد است. حق آزادی اجتماعات، به طور صریح و شفاف در «بند الف» ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸، «ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «بند د» ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و فرهنگی»، «قطعنامه ۱۵/۱۲ شورای حقوق بشر» و «مقاوله‌نامه‌های شماره ۸۷، ۹۸، ۱۳۵ سازمان بین‌المللی کار» مورد تأکید قرار گرفته است. از ابزارهای منطقه‌ای این هنجار هم، می‌توان به «ماده ۱۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹»، «ماده ۱۰ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (۱۹۸۱)» و «ماده ۲۴(۶) منشور عربی حقوق بشر ۲۰۰۴» اشاره نمود.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای منطقه‌ای برای توسعه حق‌های بشری، «کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»^۱ - که به «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»^۲ شناخته شده است - در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ برای امضا در رم گشوده و در ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا شد. ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۳، از دو حق آزادی اجتماعات و حق تشکیل انجمن‌های صنفی - منوط به محدودیت‌های خاص «مطابق قانون» و «ضروری در جامعه دموکراتیک» - حمایت می‌نماید. آزادی اجتماعات طبق ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر علاوه بر این که خود حقی مستقل است، ابزاری جهت تحقق سایر حقوق و آزادی‌ها از قبیل آزادی بیان، اندیشه و... می‌باشد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقش مهمی در آگاهی بشر از حقوق خود در اروپا ایفا کرده است. دادگاه اروپایی به روش‌های بسیار متنوعی کنوانسیون را تفسیر می‌کند که تفسیر موسع تنها یکی از آنها است که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال تفسیر و اعمال شود. از این رو، دادگاه اروپایی حقوق بشر - که دادگاهی فراملی و بین‌المللی است - در تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۹۵۹، بر اساس ماده ۱۹ کنوانسیون اروپایی

1- The Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms

2- The European Convention on Human Rights

۳- ماده ۱۱ آزادی تجمع و تشکل:

۱- هر کسی از حق آزادی تجمع صلح آمیز و آزادی ایجاد تشکل با دیگران برخوردار است، که شامل حق تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌های تجاری در راستای حفظ منافعشان می‌باشد. ۲- هیچ محدودیتی نمی‌بایست به هنگام اجرای این حقوق به جز آنچه که به موجب قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به دلایل امنیت ملی یا امنیت عمومی، به منظور جلوگیری از بی‌نظمی یا ارتکاب جرم، به منظور حفاظت از بهداشت و اخلاقیات یا به منظور حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری می‌باشد، اعمال شود. این ماده، مانع تحمیل محدودیت‌های قانونی به هنگام اجرای این حقوق توسط اعضای نیروهای مسلح، پلیس یا نهاد دولتی نمی‌گردد.



انجمن انسانی بین‌المللی

۲۲۱

بررسی محیط منطقه‌ای
دریای خزر؛ شناخت
الگوهای منازعه و همکاری
امنیتی



حقوق بشر^۱ تأسیس شد.

این دادگاه، مستقر در استراسبورگ فرانسه، تنها نهاد حقوقی که توسط کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تأسیس شده است. تصمیم به پذیرش شکایت در این دادگاه با کمیته اروپایی حقوق بشر بوده که با تصویب پروتکل شماره ۱۱ در تاریخ ۱ نوامبر ۱۹۹۸؛ دادگاه نهادی تمام وقت تبدیل گردید.

دادگاه اروپایی حقوق بشر - مطابق با پروتکل شماره ۲ الحاقی کنوانسیون - به طور کلی به درخواست‌های ارائه شده توسط شخص، گروهی از اشخاص یا یک یا چند کشور متعاقد صالح به رسیدگی است. گذشته از قضاوت، دادگاه می‌تواند نظرات مشورتی نیز صادر نماید. بیشترین موارد درخواست‌های دادگاه از بدو تأسیس تا کنون، شکایت افراد از دولت‌ها بوده است. دادگاه به صورت کمیته‌ای - توسط سه قاضی، شعبه متوسط هفت نفره از قضات و یا شعبه بزرگ توسط هفده قاضی - تشکیل می‌شود. هر کشور متعاقد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، می‌تواند از کشور متعاقد دیگر به دلیل نقض حق‌ها در چارچوب کنوانسیون، به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کند، اگرچه در عمل این امر بسیار نادر رخ داده، به طوری که تاکنون فقط چهار پرونده بین دولتی توسط دادگاه به رای منجر شده است.

دادگاه اروپایی حقوق بشر در بیش از نیم قرن فعالیت خود، بیش از ده هزار حکم صادر نموده که برای کشورهای عضو الزام‌آور است و دولت‌ها را بر آن داشته تا قوانین و رفتارهای اداری خود را در طیف وسیعی تغییر دهند. همان‌طور که در بالا اشاره شد؛ دادگاه با توجه به درخواست کمیته وزیران شورای اروپا، ضمن نظارت بر اجرای احکام صادره می‌تواند در مورد تفسیر کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مربوطه، نظرات مشورتی ارائه دهد (نک: سایت رسمی دادگاه اروپایی حقوق بشر).

آئین دادرسی دادگاه، کنوانسیون را به عنوان یک ابزار زنده قدرتمند برای رفع چالش‌های جدید و تحکیم حاکمیت قانون و دموکراسی در اروپا و کشورهای عضو تبدیل نموده است. برخی از کارشناسان و فعالان حقوق بشر معتقدند که دادگاه اروپایی حقوق بشر در خط مقدم اتحادیه اروپا برای توسعه حقوق بنیادین بشری بوده و رویه‌هایی که این دادگاه برای توسعه حقوق بنیادین بشر در طول این چند دهه اتخاذ نموده؛ خارج از مرزهای اروپا تأثیرگذار بوده است. در این راستا، دادگاه هم در یکی از آرای خود، بر نقش

۱- ماده ۱۹: تشکیل دادگاه به منظور تضمین رعایت تعهدات متقبل شده توسط طرف‌های معظم متعاقد در این کنوانسیون و پروتکل‌های مربوط به آن، می‌بایست یک دادگاه اروپایی حقوق بشر تأسیس شود که از این پس به عنوان «دادگاه» اطلاق می‌شود. عملکرد دادگاه مزبور باید دائمی باشد.

کنوانسیون به عنوان «ابزار مشروطه نظم عمومی اروپا» و توسعه حق‌های بشری در خارج از مرزهای اروپا در زمینه حقوق بشر تأکید نموده است (See G. v Germany, 1989).

بررسی منابع در زمینه دادگاه اروپایی حقوق بشر و حق اجتماعات توسط پژوهشگران این مقاله نشان از آن دارد که کمتر تحقیقی به بررسی حقوق بشر در رویه قضایی از جمله دادگاه اروپایی حقوق بشر پرداخته است. برخی تحقیقات گذشته شواهدی از آزادی اجتماعات را نشان می‌دهد، اما در صدد اثبات و یا استخراج آرا و رویه قضایی خاصی نبودند و فقط سعی نمودند تا به ابعادی از مسائل حقوقی آزادی اجتماعات و رابطه آن با حقوق بشر پردازد.

رضا اسلامی در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر» ضمن تبیین مؤلفه‌های مسالمت‌آمیز بودن اجتماعات شامل عدم حمل سلاح و منع بیان تنفرآمیز و منع تحریک به خشونت و نیز لزوم یا عدم لزوم اخذ مجوز برای اجتماعات در نظام بین‌المللی حقوق بشر به بررسی چالش‌های این موضوعات در حقوق ایران می‌پردازد (Kamalv & Mohammad, 2013, 193).

هیود در کتاب «کلید واژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی» بیان می‌نماید: «آزادی اجتماعات در زمره آزادی‌های منفی است که تحقق هرچه بیشتر این آزادی با عدم مداخله دولت صورت می‌پذیرد ولی این موضوع نافی تعهدات مثبت دولت‌ها نیست؛ بلکه در پاره‌ای از موارد مانند تأمین امنیت اجتماع کنندگان که جنبه مثبت دارد، دولت باید آزادی مزبور را تضمین نماید. آزادی اجتماعات در کنار آزادی بیان، مطبوعات، مذهب و وجدان؛ جزو آزادی‌های مدنی کلاسیک است. این نوع آزادی‌ها در برگیرنده مجموعه‌ای از حقوق منفی است که ریشه در دکتترین حقوق بشر داشته و خواستار عدم مداخله از سوی حکومت است» (Heywood, 2008, 57).

سید محمد هاشمی و دیگران در مقاله «حقوق و آزادی‌های گروهی در رویه کمیته‌ی حقوق بشر» ضمن بیان این‌که حقوق و آزادی‌های گروهی در میثاق حقوق مدنی و سیاسی به عنوان مبنای فعالیت کمیته‌ی حقوق بشر در آینده خواهد بود، به بررسی محتوای هر یک از این حقوق در رویه‌ی کمیته‌ی حقوق بشر و ارتباط این موارد با سایر حقوق و آزادی‌های شناخته در میثاق در جهت‌شناسی محتوای این حقوق و تعهدات دولت‌ها می‌پردازد. پژوهشگران در نتیجه‌گیری این پژوهش این‌گونه مطرح می‌نمایند که «رویکرد کمیته‌ی حقوق بشر در این خصوص می‌تواند منبعی غنی در تشخیص محتوای این حقوق و آزادی‌ها و محدودیت‌های مشروع بر آن باشد» (Hashemi, et al., 2014, 159).

منوچهر طباطبائی مؤتمنی در کتاب «آزادی‌های عمومی و حقوق بشر»، در خصوص آزادی اجتماعات

اعتقاد دارد که «آزادی اجتماعات از جمله آزادی‌های طبیعی است که به دلیل طبیعی بودنش، همه شهروندان از آن برخوردارند. نظام بین‌المللی حقوق بشر بالاخص میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با شناسایی این آزادی، گامی در جهت تحقق هرچه بیشتر این آزادی برداشته است؛ ولی از ایراداتی که به نظام بین‌الملل حقوق بشر وارد است، عدم وجود اصولی راهنما برای کشورهاست. این نقص تا بدان جاست که حتی یک تفسیر عمومی در خصوص ماده ۲۱ میثاق تاکنون از سوی کمیته‌ی حقوق بشر ارائه نشده است» (Tabatabaei Motmani, 2004, 60).

الف- مفهوم حق آزادی اجتماعات

بروس کوهن در تعریف اجتماع می‌گوید «اجتماع عبارت است از گروهی از مردم که در یک منطقه خاص جغرافیایی اسکان دارند و دارای فرهنگ و شیوه زندگی مشترکی‌اند، به وحدت خاص میان خود آگاهند و به‌طور جمعی یک هدف را دنبال می‌کنند. اجتماعات معمولاً همایش‌های موقتی است جهت تبادل آزاد و نظرات افراد و هماهنگی برای دفاع از منافع مشترک، ولی تظاهرات و راهپیمایی عبارت از افرادی است که با حضور در معابر عمومی و استفاده از یک فرصت نمایشی به بیان خواسته‌ی جمعی خود می‌پردازند» (Cohen, 2013, 303).

مفهوم و معنی آزادی اجتماع به‌ویژه هنگامی که آزادی در مفهوم حق (حق- آزادی) مورد توجه قرار می‌گیرد، آن است که هر کس حق تشکیل اجتماع و پیوستن به اجتماعی را دارد و هیچ کس را نمی‌توان برای پیوستن به اجتماعی مجبور نمود. به این ترتیب، حق شکل‌دهی و ایجاد اجتماع یک جزء ذاتی و بخش لاینفک این حق به شمار می‌آید (Nihal, 2002, 738).

در واقع، آزادی اجتماعات به معنای آنست که هر شخص از این حق برخوردار می‌باشد که برای بیان بعضی نظرات و دیدگاه‌های خود، در مکان معین و در زمانی مشخص با افرادی که با او هم‌نظر و هم‌عقیده هستند، اقدام به برپائی تجمع کند. این تجمع می‌تواند با برگزاری سخنرانی‌ها، جلسات و کنفرانس‌ها و یا مناظره‌های مختلف همراه باشد و به صدور بیانه‌هایی که شامل مقررات و توصیه‌های عمومی است، منتهی شود (Parveen & Aslani, 2013, 213). به بیان دیگر، معمولاً هدف از برگزاری اجتماعات، تبادل‌نظر، آگاهی از عقاید و افکار یکدیگر، اعلام موضع، دفاع از منافع حزبی و گروهی و یا اعتراض نسبت به اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است (Javan Arasteh, 2005, 178). بدیهی است در تعیین مفهوم این کلمه باید از تفسیر موسع استفاده شود و هر گونه اجتماعی که موضوع محدودیت‌های ضروری که در کنوانسیون (اروپایی حقوق بشر) بیان شده قرار نگیرد، باید تحت پوشش قرار گرفته و حقوق افراد تشکیل



دهنده آن به رسمیت شناخته شود (Hashemi, et al., 2014, 159).

دادگاه اروپایی حقوق بشر، «اجتماعات» را این گونه تعریف می‌نماید: «حضور عامدانه و موقتی تعدادی از افراد در یک مکان عمومی برای یک هدف خاص یا کلی» (Gorzelik & others v Poland, 2004, para.92). از نظر دادگاه برای آن که یک اجتماع تحت حمایت ماده ۱۱ قرار بگیرد، برگزار کنندگان‌شان، باید شخصیت خصوصی^۱ داشته باشد (Chassagnou & Others v. France [GC], 1999, para 100). اگرچه با این تعریف، اشکال خاصی از اجتماعات مطرح می‌باشد، ولی دادگاه معتقد است که «حق آزادی اجتماعات مسالمت‌آمیز؛ حق اساسی در یک جامعه دموکراتیک می‌باشد و مانند حق آزادی بیان یکی از پایه‌های این نوع جوامع است. بنابراین، نباید آن را محدود تفسیر کرد» (Djavit An v. Turkey, 2003, para 56). رویه دادگاه هم نشان می‌دهد چارچوب‌های قانونی آزادی اجتماعات، هر زمان که در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح شده به نفع فعالیت و بهره‌مندی از این آزادی مطابق با ماده ۱۱ کنوانسیون تفسیر شده است (Tufekci, 2014, 30). تضمین این حق هم توسط دولت‌ها در همه جلسات، اماکن خصوصی، عمومی، استاتیک، راهپیمایی و .. را شامل می‌شود (Kudreivičius & Others v. Lithuania [GC], 2015, para56 Djavit a v. Turkey, 2003, para91). بنابراین، در مجموع رویه دادگاه تعریف موسعی از «حق اجتماعات» دارد و هرگونه اجتماع پیش‌بینی شده و نشده را شامل می‌شود. تفسیر دادگاه در تعریف «اجتماعات» مضیق و محدود به تعریف آن در چارچوب تعریف اکثر قوانین موجود کشورهای عضو نیست.

پژوهشگران این مقاله با تأکید به این مفروض-که دادگاه اروپایی حقوق بشر، نقش اصلی در توسعه مفاهیم حق‌های بشر علی‌الخصوص حق آزادی اجتماعات داشته‌اند- درصددند تا با بررسی آرای دادگاه در توسعه این حق را مورد بررسی قرار دهند. لذا شاخص‌هایی از آرای صادره استخراج نمودند که در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

ب- شاخص‌های مستخرج از آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر

۱- حمایت از اجتماعات مسالمت‌آمیز

این حق فقط در اجتماعات صلح‌آمیز است و از اعتراض خشونت‌آمیز محافظت نمی‌کند. اگر نیت و رفتار برگزار کنندگان اجتماعات، صلح‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز است، در اصطلاح «مسالمت‌آمیز» باید تفسیر



شود. علاوه بر اجتماع‌کنندگان، پلیس و سایر افراد نیز باید آن را رعایت نموده و با رفتارشان از به خشونت کشیده شدن و «غیرمسالمت‌آمیز شدن» آن جلوگیری نمایند. بنابراین، وظیفه کشورهای متعاقد است که اقدامات معقول و مناسب را برای انجام تظاهرات قانونی برای پیشبرد مسالمت‌آمیز این حق‌ها اتخاذ نمایند (The United Macedonian Organisation Ilinden & Ivanov v. Bulgaria, 2005, para115 دادگاه اروپایی حقوق بشر در بسیاری از آرای خود اصطلاح «اجتماعات صلح‌آمیز» را به‌طور گسترده‌ای تفسیر کرده است. مهم‌ترین مصداق در این زمینه، عدم حمل سلاح است. دادگاه معتقد است که «حق حیات» از مهمترین حق‌های بشری و غیرقابل تعلیق است و نباید تحت هیچ بهانه‌ای مورد تهدید قرار گیرد و حمل سلاح توسط اجتماع‌کنندگان می‌تواند این حق را در معرض نقض، تهدید و آسیب قرار دهد. منع به‌کارگیری بیان تنفرآمیز و تحریک به خشونت و تبلیغ برای جنگ، کشتار، تبعیض و تنفر از دیگر مصادیقی است که دادگاه در آرای خود بر آن تأکید دارد (Shmorgunov & Others v. Ukraine, 2021, para 491). اشغال مسالمت‌آمیز طولانی مدت اماکن، حتی اگر به وضوح ناقض قوانین داخلی باشد، ممکن است «تجمع مسالمت‌آمیز» تلقی شود (Tuska & Others v. Georgia, 2018, para 73; Annenkov & Others v Russia 2017, para39-40; Cisse v. France, 2002, para123) از سوی دیگر، امروزه تفکیک اجتماعات «صلح‌آمیز» و «خشونت‌آمیز» بسیار دشوار است؛ زیرا اجتماعات معمولاً در ابتدا به صورت مسالمت‌آمیز برگزار و سپس خشونت‌آمیز می‌شود. دادگاه در رأی «سیس علیه فرانسه» اعلام می‌دارد: «در عمل تنها اجتماعاتی واجد شرایط صلح‌آمیز نمی‌باشد که نیت سازمان‌دهندگان آنها بر این باشد که از خشونت استفاده کنند. معیار قانون داخلی، در بیشتر موارد نمی‌تواند دلیل قانونی یا غیرقانونی بودن «اجتماعات صلح‌آمیز» تلقی شود (Cisse v. France, 2002, para124; Yezhov & Others v. Russia, 2021, para27).

خواهان در پرونده «جی علیه آلمان»، در یک تجمع بر ضد فعالیت‌های هسته‌ای در مقابل پادگان نظامی ایالات متحده در «اشتوتگارت» شرکت کرده بود. خواهان به همراه تظاهرکنندگان، جاده منتهی به پادگان را مسدود کردند و از دستور پلیس برای ترک جاده سرپیچی کردند. خواهان ادعا کرد که پراکنده نمودن تظاهرات کنندگان توسط پلیس و تعقیب و محکومیت او به دلیل رعایت نکردن دستور پلیس، حق وی در خصوص آزادی تجمع مسالمت‌آمیز را نقض کرد. دولت آلمان معتقد بود که این تظاهرات «صلح‌آمیز» نبوده و بنابراین، در چارچوب ماده ۱۱ کنوانسیون نمی‌گنجد. دادگاه اروپایی حقوق بشر اظهار داشت که مفهوم «مسالمت‌آمیز بودن تجمعات» شامل تظاهراتی که برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان در آن رفتار خشونت‌آمیز نمایند و منجر به اختلال نظم عمومی شوند، نخواهد شد. اگرچه «تحصن» طبق قانون آلمان غیرقانونی بوده، کمیسیون اعلام می‌نماید که این حق را دارد، از آزادی اجتماع مسالمت‌آمیز به عنوان یکی

از پایه‌های مهم جامعه دموکراتیک، حمایت نماید و نباید آن را محدود تعریف نمود، G V. Germany, (1989, para 256).

در قضیه «گوکلو علیه ترکیه»، متهم به دلیل عضویت در حزب کارگران کردستان، تبلیغ و حمایت از یک سازمان تروریستی، شرکت در تظاهراتی در دیاربکر در ماه ژوئیه ۲۰۰۸ و مقاومت در برابر پلیس به دو سال حبس محکوم شده بود. خواهان از این محکومیت که به دلیل شرکت در تظاهرات بود، شکایت و ادعا نمود حکمی که دادگاه داخلی صادر نموده، غیرمنصفانه است. دادگاه تصریح کرد که «به اعتقاد قضات، نقض ماده ۱۱ کنوانسیون شده است. اولاً شواهد نشان می‌دهد که در هنگام پیوستن مدعی به تظاهرات، هیچ‌گونه خشونت وجود نداشته است. علاوه بر این، دادگاه داخلی هیچ مدرکی دال بر عضویت نامبرده در حزب کارگران کردستان (پ. پ. ک.)^۱ و انتشار تبلیغات در حمایت از یک سازمان تروریستی بدست نیاورده است» (Gülcü v. Turkey, 2016, para187).

در سال‌های اخیر با توجه به اعتراضات گسترده در اروپا و خشونت‌آمیز بودن بیشتر اجتماعات، مقامات به دنبال جرم‌انگاری به دلیل «غیرمسالمت‌آمیز خواندن» بیشتر اجتماعات هستند که دادگاه در رأی «زیلیبرگ علیه مولداوی» اعلام می‌نماید که به دلیل خشونت‌های پراکنده توسط برخی از افراد در جریان اعتراضات، شرکت‌کنندگان را تا زمانی که رفتار آنها «صلح‌آمیز» می‌باشد، نمی‌توان از این حق محروم کرد (Ziliberg v. Moldova (dec.), 2004, para 138).

۲- اخذ مجوز اجتماعات

پیش‌فرض برای برگزاری اجتماعات - به عنوان یک حق اساسی - این است، تا جایی که ممکن می‌باشد، تظاهرات کنندگان بدون مجوز از آن بهره‌مند شوند و لازم نیست مجوزی دریافت نمایند. این پیش‌فرض باید به‌طور واضح و صریح در قوانین کشور موجود باشد. به عبارت دیگر، مجوز بیشتر به خاطر این منظور است که مقامات ماهیت صلح‌آمیز اجتماعات را تضمین نمایند (Belyaeva, 2010, 17). لذا دادگاه در یکی از آرای خویش برای پیاده‌روی مسالمت‌آمیز - که به موجب آن گروه‌هایی از افراد با روشی هماهنگ و هدفمند عمل می‌کردند تا پیامی سیاسی را انعکاس دهند - منوط به اطلاع‌رسانی قبلی تحت قانون ملی ندانست (Navalnyy v. Russia, 2018, para106).

دادگاه، «اجتماعات خودجوش» را ویژگی دموکراسی سالم می‌داند و معتقد است که اطلاع‌رسانی برای

1- به کردی: Partiya Karkerên Kurdistanê



تشکیل این نوع اجتماعات برای حفظ نظم عمومی و حفظ حقوق و آزادی دیگران صورت پذیرد. دادگاه اروپایی حقوق بشر، در رأی «بک و دیگران علیه مجارستان»؛ از اجتماعات خودجوش به عنوان «شرایط ویژه»^۱ نام می‌برد و آن را برای جامعه دموکراتیک ضروری می‌داند، ولی قاعده کلی را معافیت اطلاع‌رسانی در موارد اضطراری عنوان می‌نماید. دادگاه همچنین با توجه به روح ماده ۱۱ کنوانسیون تأکید دارد که الزام به اخذ اطلاع‌رسانی به طور معمول در ذات این حق نمی‌باشد و فقط جنبه اطلاع‌رسانی برای نظم عمومی و حفاظت از امنیت ملی دارد (Baka v. Hungary, 2016, para67).

در خصوص ممنوعیت صدور مجوز برای اجتماعات احزاب سیاسی - که بیشتر کمک‌های خود را از خارج کشور تأمین می‌نمایند - دادگاه وجود این گونه احزاب را ضروری برای یک جامعه دموکراتیک می‌داند، ولی بر حفظ حاکمیت ملی و شفافیت مالی طبق قوانین ملی تأکید دارد (partinationaliste Basque Organist ion Regionale Dtparralde v. France, 2007, para 34).

در پرونده «بلوسویچ علیه روسیه»، مقامات محلی مجوز تجمع به یک اقلیت مذهبی (کلیسای مسیحیان انجیلی) نداده بودند. مقامات دلیل آن را این گونه اعلام نمودند که اکثریت ساکنان آن منطقه مذهبی دیگری داشتند که ممکن است منجر به تحریک مخالفان آنها شود. دادگاه اروپایی حقوق بشر با تأکید بر ماده ۹ کنوانسیون (در خصوص آزادی مذهبی) اعلام می‌نماید که در این خصوص نقص ماده ۱۱ کنوانسیون صورت گرفته است (Yaroslav Belousov v. Russia, 2016, para 168-172).

در پرونده «کوزنتسوف علیه روسیه»؛ خواهان مدعی بود که هشت روز قبل از تجمع به مقامات مربوطه اطلاع داده است. مقامات هم به پلیس دستور دادند نظم عمومی و ایمنی ترافیک را در طی این دوره برقرار نمایند. خواهان پس از آن، به دلیل انتشار اطلاعیه راهپیمایی، جریمه شد. دادگاه متذکر شد که خواهان در واقع - به جای ده روز که در آیین‌نامه‌های مقرر پیش‌بینی شده بود - هشت روز قبل در خواست تجمع خود را تحویل مقامات داده و خواهان صرفاً نقض یک زمان‌بندی انجام داده است. این اختلاف دو روزه مانع از آن نشده است که مسئولان امر از اجتماعات مسالمت‌آمیز جلوگیری نمایند (Sergey Kuznetsov v. Russia, 2008, para67).

در قضیه «بلیادر و دیگران علیه روسیه»؛ شاکیان می‌خواستند به منظور نشان دادن مخالفت خود با یک تجمعی - که قبلاً در برابر جریان مهاجرت در روسیه اجتماع کرده بودند - راهپیمایی دیگری برگزار کنند. با این حال، مقامات شهر مسکو، اجازه دادند که این افراد در یک مکان دیگر تجمع کنند. در حالی که آنها

از انتخاب مقامات محلی ناراضی بودند، درخواست خود را پس گرفتند و درخواست جدیدی برای تظاهرات در مقابل دفتر شهردار دادند که این درخواست با مخالفت مقامات روبرو شد. مقامات، دوباره محلی را که قبلاً برای این تجمع مشخص شده بود، پیشنهاد دادند. سرانجام خواهانان در مقابل دفتر شهردار تجمع کردند. پلیس امنیت ویژه، تعدادی از افراد را به دلیل شرایط امنیتی دستگیر نمود. شاکیان توسط دادگاه داخلی به دلیل نقض رویه‌های عمومی مقصر شناخته و جریمه شدند. دادگاه اروپایی حقوق بشر، در رأی خود تأکید نمود اگرچه قضات دادگاه، رویه‌های ملی در خصوص اطلاع‌رسانی یا صدور مجوز برای تجمعات را معقول می‌دانند؛ اما هدف چنین رویه‌هایی این است که مقامات داخلی، امنیت پیشگیرانه به منظور تضمین رفتار شفاف و جلوگیری از بی‌نظمی یا جرم را انجام دهند. دادگاه اظهار داشت که مقامات روسی مانع تجمع متقاضیان نشدند و سریعاً به آنها مکان دیگری را پیشنهاد کرده بودند. اما خواهانان، بدون دلیل معتبر، پیشنهاد آنها را قبول نکرده‌اند. دلیل مسئولان امر مبتنی بر رعایت امنیت عمومی مردم بوده و نقضی صورت نگرفته است (Berladir & Others v. Russia, 2012).

۳- تنبیه انضباطی به منظور شرکت در اجتماعات مسالمت‌آمیز

دادگاه داخلی در پرونده «یولسن علیه ترکیه»؛ بدلیل شرکت کارگران بخش دولتی در یک اعتصاب یک روزه اتحادیه کاری، تنبیه انضباطی علیه آنها نمود. دادگاه اعلام می‌دارد «بدلیل توافق جمعی اتحادیه کاری و کارگران بخش دولتی، حق اعتصاب داشتند و اقدام انضباطی فوق، نقض ماده ۱۱ کنوانسیون شده است» (Enerji Yapı-Yol Sen v. Turkey, 2009, para 89).

پرونده «گون و دیران علیه ترکیه»، پرونده‌ای مربوط به حکم زندان و جریمه‌ی نقدی بخاطر شرکت در مراسم غیرقانونی برای سالگرد دستگیری رئیس سازمان تروریستی پ.ک.ک.ک بود. شرکت کنندگان به یک سال و شش ماه حبس و پرداخت جریمه‌ی نقدی محکوم شدند. دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام نمود «آزادی شرکت در یک تجمع صلح‌آمیز چنان اهمیتی دارد که -تا زمانی امنیت عمومی جامعه خلی ایجاد نکند- حتی برای رهبران و اعضای سیاسی غیرقانونی هم به هیچ عنوان نباید محدود شود. لذا محکومیت تظاهرات کنندگان منطقی نیست و نقض ماده ۱۱ کنوانسیون می‌باشد» (Gün & Others v. Turkey, 2013, para 77).

در پرونده «گالیستان علیه ارمنستان»، خواهان به دلیل شرکت در تظاهرات مسالمت‌آمیز، سه روز در بازداشت به سر برد. این تظاهرات مسالمت‌آمیز بوده و توسط دولت هم ممنوع نبوده است. دادگاه اعلام می‌نماید که «بازداشت افراد به دلیل پیوستن به تظاهرات مسالمت‌آمیز که توسط دولت ممنوع نبوده، نقض

ماده ۱۱ کنوانسیون می‌باشد» (Galstyan v. Armenia, 2007, para8).

۴- انحلال تجمعات به دلیل شرایط اضطراری

حق آزادی اجتماع مطلق نیست و مطابق بند ۲ ماده ۱۱ کنوانسیون می‌تواند مشمول محدودیت‌هایی هم باشد. اعمال این محدودیت نباید به یک ممنوعیت آشکار، قانونی یا حقوقی تبدیل شود، بلکه می‌تواند شامل اقدامات دیگری توسط مقامات باشد (Kudrečiūsis & Others v. Lithuania [GC], 2015, para100).

دادگاه اروپایی حقوق بشر معتقد است در برخی مواقع مقامات می‌توانند با توجه به بند ۲ ماده ۱۱ کنوانسیون مواردی از جمله محافظت امنیت ملی یا عمومی، جلوگیری از بی‌نظمی یا جرم، حفاظت از سلامتی یا اخلاق جامعه و حقوق و آزادی‌های دیگران؛ حق آزادی اجتماعات را محدود نمایند (Vyrentsov v. Ukraine, 2013, para 51).

البته «درجه دخالت دولت را نمی‌توان به‌طور انتزاعی در نظر گرفت و باید در زمینه خاص مورد ارزیابی قرار گیرد. شدت تداخل و لزوم تناسب در صورت عدم رعایت تشریفات قانونی معقول توسط یک شکل مربوط به تأسیس، عملکرد یا ساختار سازمانی داخلی آن، حاشیه صلاحیت دولت‌ها ممکن است شامل حق مداخله - مشروط به شرط تناسب - در آزادی اجتماعات باشد» (Yeşiller ve Sol Gelecek v. Partisi v. Turkey, 2022, para 49).

۵- تعهدات دولت‌ها

دولت‌ها به‌منظور تسهیل و حمایت از آزادی اجتماعات مسالمت‌آمیز، تعهد مثبت و منفی دارند. از جمله مهم‌ترین تعهدات مثبت دولت‌ها، تسهیل و حمایت از اجتماع مسالمت‌آمیز، ایجاد مکانیزم‌ها و رویه‌های مناسب و اطمینان افراد جهت بهره‌مندی از حق تجمعات است. به‌عبارت دیگر، دولت‌ها نسبت به آزادی اجتماعات شهروندان‌شان تعهد به تضمین و حمایت دارند. تعهد به تضمین در آزادی اجتماعات بدین معنی است که این آزادی توسط قانون برای افراد شناسایی شده و ساز و کارهای قانونی برای تضمین و اجرا شدن این آزادی در نظر گرفته شود. تعهد به حمایت در آزادی اجتماعات به مجموعه تدابیری از پیش تعیین شده اطلاق می‌شود که امنیت اجتماع کنندگان توسط مراجع ذی‌ربط در صورت نقص این آزادی تأمین شود. لذا مجمع عمومی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در قطعنامه ۱۹۴۷ سال ۲۰۱۳، خواستار آموزش حقوق بشر برای اعضای نیروی امنیتی کشورها برای تقویت آزادی اجتماعات شدند. شاکیان در پرونده «سازمان متحد مقدونی ایلیندن و ایوانف علیه بلغارستان»، مدعی بودند که مقامات



۲۳۰

پژوهش‌نامه ایرانی

سیاست بین‌الملل،

سال ۱۳، شماره ۱، شماره

پیاپی ۲۵، پاییز و زمستان

۱۴۰۳

بلغارستان از برگزاری جلسات صلح آمیز اعضا و هواداران سازمان‌شان در چندین نوبت جلوگیری نمودند. دادگاه خاطر نشان کرد که مدارک نشان می‌دهد مقامات تمایلی به محافظت از اعضا و هواداران سازمان ایلیندن ندارند. در نتیجه، هواداران ایلیندن در معرض خشونت جسمی مخالفان خود قرار گرفتند. دادگاه این موضوع را یادآور می‌شود که آزادی واقعی و مؤثر از اجتماع مسالمت آمیز، نباید منجر به کاهش وظایف دولت شود. وظیفه دولت این بود که اقدامات لازم، منطقی و مناسب برای تظاهرات قانونی در جهت پیشبرد مسالمت آمیز تجمعات فوق ایجاد نماید (The United Macedonian Organisation Ilinden & Ivanov v. Bulgaria 2005, para69).

در پرونده «برنو کویچ مقابل روسیه»؛ خواهان یک کشیش پروتستان انجیلی بود که خواستار تجمع در یک پارک شهری شده بود. دادگاه داخلی ادعای او را - به این دلیل که کلیسای خواهان، متفاوت از اکثریت ساکنان محلی می‌باشد و این تجمع می‌توانست به نارضایتی و بی‌نظمی عمومی منجر شود - رد نمود. دادگاه تأکید کرد اگرچه درخواست این افراد بخاطر داشتن دین اقلیت ساکنان مسیحی انجیلی منطقه چکوک و احتمال مداخله توسط افراد از سوی دولت رد شد، ولی تجمع این اقلیت، دارای ماهیت صلح آمیز بوده است. حتی با فرض تهدید خشونت آمیز، مقامات داخلی باید شرایط لازم را برای برگزاری این اجتماع فراهم می‌نمودند (Barankevich v. Russia, 2007). با وجود این که درخواست تجمعی مخالف افراد دیگر است؛ اما شرکت کنندگان باید بتوانند بدون ترس از این که آنها در معرض خشونت جسمی توسط مخالفان خود قرار بگیرند، این تظاهرات را برگزار کنند. چنین ترسی ممکن است باعث شود انجمن‌ها یا گروه‌های دیگری که از عقاید یا علایق مشترک حمایت می‌کنند، از بیان صریح عقاید خود درباره موضوعات مؤثر بسیار بحث برانگیز بر جامعه جلوگیری کنند. دادگاه اعتقاد دارد که در دموکراسی، حق ضد تظاهرات نمی‌تواند مانع از اعمال حق تظاهرات افراد شود (Plattform "Ärzte für das Leben" v. Austria, 1998, para 32).

هنگامی که به رابطه حقوق موافقان و مخالفان تظاهرات پرداخته می‌شود، رابطه تنگاتنگی بین تعهدات منفی و مثبت دولت‌ها وجود دارد. با این حال، دولت باید پیشگیری‌های فوری را فراهم نمایند. کشورهای عضو کنوانسیون، مهم‌تر از همه، تعهد منفی به خودداری از هرگونه مداخله در خصوص حقوق تضمین شده در ماده ۱۱ کنوانسیون دارند؛ مگر این که این دخالت مطابق با بند ۲ ماده ۱۱ کنوانسیون باشد. به عبارت دیگر، کشورها نه تنها باید از اعمال محدودیت‌های غیرمستقیم و غیرمنطقی در مورد تجمع مسالمت آمیز پرهیز کنند، بلکه از این حق نیز باید محافظت نمایند. اگرچه هدف اساسی ماده ۱۱ کنوانسیون، تعهدات مثبت دولت‌ها برای تضمین بهره‌مندی مؤثر افراد از این حقوق می‌باشد، اما دولت‌ها باید از مداخلات



خودسرانه مقامات دولتی جلوگیری نمایند (Djavit An v. Turkey, 2003, para158). دادگاه اعلام می‌نماید که «تعهد به خودداری از مداخلات خودسرانه در حقوق تحت حمایت به جز موارد مطروحه در بند ۲ ماده ۱۱ کنوانسیون هیچ محدودیتی نباید اعمال شود» (Wilson, National Union of Journalists & Others v. The United Kingdom, 2002, 5). در قضیه «سیس علیه فرانسه»؛ خواهان این پرونده عضو گروهی از بیگانگان بود که اقدام جمعی به راهپیمایی را ترتیب داده بودند که منجر به اشغال یک کلیسا توسط حدود دویست نفر شد. برخی از مهاجران غیرقانونی هم دست به اعتصاب غذا زدند. به دستور مقامات پلیس، خواهان به همراه دیگر معترضین از محل پراکنده شدند. دادگاه با نگاه دولت در مورد این واقعه که خواهان یک مهاجر غیرقانونی بوده است، توجیه نقض حق آزادی اجتماع را نداشت، بلکه بر اساس این واقعه که سلامتی اعتصاب‌کنندگان گرسنه رو به وخامت می‌رفت، با توجیه به «حاشیه صلاحدید^۱» از نظر دادگاه قابل توجیه نبود (Cisse v France, 2002, 3). همچنین کمک به قربانیان و صدمه‌دیدگان اجتماعات هم از وظایف دولت‌ها است که نباید دولت‌ها مانع امدادرسانی به افراد شوند. دادگاه در رای «جولیانو و گاجیو علیه ایتالیا» اشاره می‌نماید که کارکنان پزشکی نباید برای ارائه کمک‌های اولیه به معترضان با تهدید مواجه شوند (Giuliani & Gaggio v. Italy, 2011).

۶- عدم نگرانی افراد برای برگزاری تجمعات

در شرایطی که مجازات‌های اعمال شده برای تظاهرکنندگان ماهیت کیفری داشته باشد، مجازات‌ها نیاز به توجیه خاصی دارد (Kudrevičius & Others v. Lithuania [GC], 2015, para146). تظاهرات‌کنندگان مسالمت‌آمیز اصولاً نباید در معرض تهدید مجازات کیفری قرار بگیرد (Rai & Evans v. The United Kingdom, 2009, para117). البته اخطار مقامات در اصل برخلاف ماهیت ماده ۱۱ کنوانسیون نمی‌باشد (Kudrevičius & others vLithuania [GC],2015, para 147). در پرونده «عباس و دیگران علیه دولت آذربایجان»، حزب جبهه خلق آذربایجان - که عضو شورای

1- The Margin of Appreciation Doctrine

دکترین حاشیه تفسیر که در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر وارد شده است، شیوه‌ای برای بررسی تصمیمات مقامات ملی از سوی دادگاه‌های بین‌المللی است. براساس این دکترین مقامات دولتی نسبت به قضات بین‌المللی در موقعیت بهتری برای تصمیم‌گیری درخصوص اعمال بهتر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار دارند. برای اطلاعات بیشتر به مقاله زیر رجوع شود:

Malekizadeh, A, H, Mousavi Far, S, H. (2013). A Reflection on the Margin of Appreciation Doctrine. Public Law Studies Quarterly, Vol. 52, No 4, Winter. (in Persian)

هماهنگی احزاب مخالف حزب حاکم ایستیس پالا تا هستند - خواستار تظاهرات مسالمت آمیز به منظور اصلاحات دموکراتیک در کشور و انتخابات آزاد و عادلانه شدند. ابتدا دولت در حومه باکو مجوز داد. آنها هم‌زمان اعلام کردند به یاد شهدای آذربایجان در یک گورستان شهر به نام گویچای در روز سالگرد استقلال آذربایجان راهپیمایی کنند. دولت علی‌رغم دادن مجوز، تدارک دیدگان این مراسم را بازداشت و شب قبل به بعضی از افراد اعلام نمودند که شما حق شرکت در این مراسم را ندارید و به همین دلیل این مراسم برگزار نمی‌شود. دادگاه با توجه به موج بازداشت‌ها که موجب نگرانی طرفداران و عموم مردم شد و به همین دلیل مردم در این اجتماع شرکت ننمودند، نقص ماده ۱۱ کنوانسیون توسط دولت آذربایجان را اعلام می‌نماید (Abbas & others Azerbaijan, 2007, para 69-118).

۷- عدم استفاده پلیس از گازهای اشک‌آور علیه معترضان صلح‌جو

دادگاه در خصوص استفاده از گازهای اشک‌آور اعتقاد دارد «هر چند گاز اشک‌آور به‌عنوان سلاح شیمیایی توسط کنوانسیون منع توسعه و تولید و انباشت سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳ منع نگردیده، ولی براساس قوانین خاص کنوانسیون منع شکنجه، استفاده از آن در فضاها محدود هشدار داده شده و به‌طور بالقوه خطرناک می‌داند. به همین دلیل دادگاه استفاده از گازهای اشک‌آور علیه معترضان صلح‌جو را نقص بند ۲ ماده ۱۱ کنوانسیون می‌داند» (Ali Guneş v. Turkey, 2012, para63).

در رای «یاس علیه ترکیه»؛ دادگاه تصریح می‌کند که استفاده از گاز اشک‌آور به‌طور مستقیم به معترضین و زخمی شدن فرد ۱۳ ساله و حق حیات وی را نقص نموده است. لذا خواستار تدابیر بیشتری برای کاهش خطر مرگ و آسیب‌های ناشی استفاده از آن توسط دولت ترکیه شد (yasa & others v.turkey, 2013). همچنین در پرونده «آتاکیا علیه ترکیه»؛ دادگاه بر این نکته تأکید می‌کند که «قوانین ترکیه هیچ مقررات و دستورالعمل خاص برای استفاده از نارنجک‌های اشک‌آور در امر تظاهرات ندارد و اعلام می‌نماید که ترکیه باید بدون تاخیر جهت به حداقل رساندن خطرات مرگ و آسیب‌های ناشی از این نارنجک‌ها دستورالعملی را تهیه نماید» (Ataykaya v.Turkey, 2014, para36).

۸- استفاده بیش از حد زور پلیس در مقابل تظاهرکنندگان

در ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴؛ دو فرد به نام‌های گولر و آنجل به همراه حدود ۵۰۰ نفر دیگر در یک تظاهرات علیه اجلاس سران ناتو در استانبول شرکت نمودند. تعداد زیادی پلیس قبل از موعد تظاهرات به محل اعزام شده بودند که همه آنها مجهز به کلاه و ماسک‌های ضد گاز بودند. بعد از استماع بیانیه صادره، تظاهرکنندگان



در حال متفرق شدن بودند که گروه کوچکی از تظاهرکنندگان با سنگ و چوب به پلیس حمله کردند. پلیس از گازهای اشک‌آور برای پراکنده کردن این گروه استفاده نمود. دادگاه با عنایت به ماده ۳ (ممنوعیت رفتار غیرانسانی)، ماده ۱۰ (آزادی بیان) و ماده ۱۱ (حق آزادی اجتماعات و تشکل) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اروپایی، اقدام به صدور رأی نمود که در رأی صادره نیروهای پلیس محکوم به استفاده بیش از حد زور در تظاهرات سال ۲۰۰۴ شدند (ayangil v. Turkey, 2011).

۹- ممنوعیت و محدودیت تجمعات برخی از احزاب سیاسی

شکایت «حزب کمونیست ترکیه علیه ترکیه» رد می‌شود چون اعلام خطر برای تمامیت ارضی کشور از سوی دادگاه احراز نمی‌شود. ولی در دعوی گروه مذهبی ارتش رستاخیز روسیه در مقابل روسیه، دادگاه اعلام می‌کند که «دولت باید شرایطی فراهم نماید که مومنان بتوانند بدون دخالت دولت، به‌طور آزادانه ارتباط برقرار کنند و آن را نقض ماده ۱۱ و ماده ۹ کنوانسیون می‌داند» (Ibragim & others v. russia, 2018, para45).

در دعوی «انجمن شهروندان رادکو و پونکوسکی علیه جمهوری مقدونیه»؛ این انجمن در صدد نفی هویت قومی مردم مقدونیه و از نظر دولت، افکار آنها، ایدولوژی خطرآفرین و توهین‌آمیز برای اکثریت جامعه بودند که منجر به تحریک و خشونت با ابزارهای غیر دموکراتیک می‌شد. دادگاه به دلایل عدم ارائه مدارک مرتبط و کافی و عدم تعهد به نظم عمومی جامعه؛ وجود چنین انجمنی را ضروری برای یک جامعه دموکراتیک می‌داند (Association of Citizens “Radko” & Paunkovski v. The Former Yugoslav Republic of Macedonia, 2009, para88).

دادگاه در رأی «تاگانروگ لرو و دیگران علیه روسیه»، اعلام می‌کند که «تعریف موسع از گروه‌های افراطی غیرمجاز در قوانین ملی، باید با تدابیر قضایی همراه باشد» (Taganrog LRO & Others v. Russia, 2022, para159).

۱۰- اصل قانونی بودن و ضرورت اقدامات پیشگیرانه

هر محدودیتی که اعمال شود، باید از نظر قانونی دارای پایه رسمی و حقوقی و منطبق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر باشد. به‌همین منظور، قانونگذاری درست در قالب بند ۲ ماده ۱۱ کنوانسیون باید سازگار با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر باشد (Belyaeva, 2010, 17). در دعوی «سیس علیه فرانسه»؛ خواهان پرونده «الف» عضو گروهی از خارجیان بوده است که بدون اجازه اقامت معتبر تصمیم گرفتند تا برای جلب توجه مشکلات پیش آمده در خصوص وضعیت مهاجرت آنها در

فرانسه، اعتراض جمعی انجام دهند. مبارزات آنها با تصمیمی برای اشغال یک کلیسا اوج گرفت. استقرار آنها در کلیسا دو ماه طول کشید. مقامات و شورای کلیسا نسبت به حضور آنها علی‌رغم اختلال در خدمات مذهبی شان، اعتراضی نکردند و مراسم مختلف طبق برنامه‌ریزی و بدون حادثه انجام می‌شده است. دادگاه خاطر نشان کرد که تخلیه دستور داده شده توسط مقامات به دلیل اختلال در اشتغال و عبادت افراد دیگر، دخالت در یک هدف قانونی یعنی پیشگیری بوده بنابراین اقدام دولت فرانسه، قانونی است. *Cisse v. France*, 2002).

در پرونده «بسیک علیه ترکیه» (*Balcik v. Turkey*, 2007, para 52) و «آساقیان علیه ارمنستان» (*Ashughyan v. Armenia*, 2008, para 90)، دادگاه در باب هرگونه تظاهرات در یک مکان عمومی که باعث اختلال در زندگی عادی مردم، اختلال در ترافیک و خشونت تظاهرکنندگان تجمع‌های مسالمت‌آمیز گردد، اظهار داشت که تضمین آزادی تجمع براساس ماده ۱۱ کنوانسیون نباید باعث محرومیت دیگر مردم از حقوق اجتماعی دیگر شود.

فضای عمومی اجتماعات ممکن است فعالیت‌های تجاری یا حرکت ترافیک وسایل نقلیه و پیاده‌رو را محدود نماید. دادگاه، در پی بازداشت افراد به منظور تضمین امنیت شرکت کنندگان در اجلاس سران گروه ۸ و حفظ نظم عمومی، اعلام می‌دارد که بازداشت شش روزه افراد به این اندازه مناسب نیست و مقامات می‌توانستند قبل از آن توسط ابلاغی به اطلاع آنها برسانند که اگر مؤثر نبود، از اقدامات بعدی استفاده نمایند (*Suzer Et Eksen Holdng A.S v. Turkey*, 2012, para60).

دولت‌ها ممکن است از امنیت ملی برای توجیه اقدامات محدودکننده استفاده نمایند. امنیت ملی را نمی‌توان به بهانه مبهم در برابر حقوق افراد قرار داد. در زمانی که استقلال کشور در خطر باشد و یا جان انسان‌ها در خطر باشد، دولت‌ها وظیفه دارند، اقدامات حفاظتی و کاری را انجام دهند. در واقع نقض منظم حقوق بشر خود تضعیف ملی است. دولت‌ها در برابر نقض حقوق افراد مسئول‌اند و نباید به بهانه در خطر بودن امنیت ملی، اقدامات خود را توجیه نمایند (*Belyaeva*, 2010, 55). دادگاه در این خصوص اشاره می‌کند که دلایل محدودیت باید مجاز، قانونی و اصل تناسب باید رعایت گردد (*Chernega & Others v. Ukraine*, 2019, para 34).

در دعوی «نور تین آلدامیرو دیگران علیه ترکیه»؛ دادگاه خاطر نشان می‌سازد گرچه اقدامات مقامات پلیس پیشگیری در هدایت شرکت کنندگان برای اطمینان از رفتار صلح‌آمیز و ایمنی دیگر شهروندان، بوده ولی مداخله سریع و قابل توجه و اعمال فشار برای پراکنده نمودن شرکت کنندگان باعث ایجاد تنش در جمعیت و ماهیت صلح‌آمیز اولیه شد. لذا دادگاه تصریح نمود که مداخله نیروهای پلیس مناسب و



ضروری نبوده و نقص ماده ۱۱ کنوانسیون می‌باشد (Nuretin Aldemir & Others v. Turkey, 2008, para 79 دادگاه معتقد است اصل تناسب باید در رفتارهای پلیس صورت پذیرد و دخالت‌های غیرضروری خود می‌تواند منجر به تنش‌های بعدی شود (Chernega & Others v. Ukraine, 2019). محدودیت‌هایی که بر آزادی اجتماعات اعمال می‌شود نیز باید متناسب باشد. محدودیت‌های مقامات دولتی خود ممکن است اساساً ماهیت یک اعتراض را تغییر دهد، مانند جابجایی مجامع به مناطق حاشیه که خود می‌تواند باعث اعتراض بعدی شود (Belyaeva, 2010, 17). دادگاه در پرونده «مکرتچیان علیه ارمنستان» اعلام می‌نماید با توجه به این که در آن زمان مورد بحث، هیچ قانونی در ارمنستان برای سازماندهی و جابجایی‌های پیشگیرانه تظاهرات وجود نداشت (Mkrtchyan v. Armenia, 2007). در پرونده «مخمودوف علیه روسیه»؛ خواهان پرونده مدعی بود که مقامات مانع از برگزاری مجمع مسالمت‌آمیز به بهانه «تهدید تروریستی» شدند درحالی که در همان مکان دو روز بعد شهرداری جشنی را برگزار نمود. دادگاه اعلام می‌نماید «با توجه به این که دولت نتوانست مدارکی دال بر «تهدید تروریستی» ارائه نماید، دادگاه به این نتیجه رسید که مقامات داخلی به صورت خودسرانه عمل کرده‌اند» (Makhmudov v. Russia, 2007, para 55). دادگاه معتقد است ممنوعیت برگزاری اعتراضات عمومی در مکان‌های خاص، هنگامی که به دلایل امنیتی اعمال شود (Rai & Evans v. The United Kingdom, 2009) یا بر حسب مورد در مورد مکان‌هایی مانند تجمع در مقابل ساختمان دادگاه‌های داخلی که منجر به اختلال در روند قضایی می‌شود، با ماده ۱۱ کنوانسیون ناسازگار نیست (Lashmankin & Others v. Russia, 2017, para 440). همچنین دولت‌ها نمی‌توانند به دلیل آن که موضوع اعتراض مغایر با تحقیقات رسمی آن است مانع اجتماع افراد گردند (Primov & Others v. Russia, 2014, para 36).

۱۱- عدم تبعیض

مقامات دولتی در خصوص استفاده هر فرد یا گروهی از حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز نباید تبعیضی قائل شوند. آزادی سازماندهی و شرکت در اجتماعات عمومی باید برای همه‌ی اشخاص، گروه‌ها، انجمن‌های ثبت نشده، اشخاص حقوقی و شرکت‌ها؛ اعضای اقلیت‌های قومی، ملی، جنسی و مذهبی، اتباع و غیر اتباع (از جمله افراد بی‌تابعیت، پناهندگان، اتباع بیگانه، پناهجویان، مهاجران و گردشگران)؛ کودکان،

زنان و مردان و ... تضمین شود. از نظر دادگاه، دولت‌های متعهد طبق ماده ۱۴ کنوانسیون^۱ موظف‌اند سیستمی واقعی و مؤثر را برای تضمین محافظت در برابر تبعیض طراحی نمایند (Danilenkov & Others v. Russia, 2009 Zakharova & Others v. Russia, 2022, para36).

نتیجه‌گیری

شواهد اشاره شده در این پژوهش نشان می‌دهد آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر در چارچوب ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص حق آزادی اعتراضات، تجمعات و اجرای آن توسط دولت‌ها، در پیشبرد و توسعه تدریجی این حق مهم تأثیرگذار بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد دادگاه اروپایی حقوق بشر تأکید ویژه‌ای بر حمایت دولت‌ها از حق مسالمت‌آمیز اعتراضات دارد. این حق شامل محدودیت‌هایی هم می‌شود ولی رویه دادگاه نشان می‌دهد دادگاه در آرای متعدد تفسیر موسع از این حق داشته و اکثریت آرای دادگاه نیز از نظر کمی به نفع حق آزادی اجتماعات بوده است.

دادگاه اروپایی حقوق بشر در آرای خود، کمتر از نظریه «حاشیه صلاح‌دید دولت‌ها» استفاده کردند و تفسیر موسعی از این حق داشتند. قضات دادگاه در آرای خود، توجه ویژه به عدم تبعیض داشتند و حتی در برخی موارد، هواداران احزاب و گروه‌های غیرقانونی، وابسته به دولت‌های خارجی و حتی مهاجران غیرقانونی و... را برخوردار از حق اعتراض مسالمت‌آمیز می‌دانند. مهم‌ترین نکته در رویه دادگاه، تأکید بر مسالمت‌آمیز بودن تجمعات بوده که در همه آراء، دادگاه به اهمیت این موضوع می‌پردازد و تفسیر خود را به صورتی مبسوط ارائه نماید.

در راستای نظریه پیشنهادی پژوهشگران این تحقیق، نظریه «ایده برابر با رویکرد حقوقی و قضایی» برای رسیدن به یک «تعریف مشترک» مطرح می‌شود. در این دکتترین، علاوه بر استفاده از نظریات افراد حقیقی و حقوقی، به تفاسیر آراء دادگاه‌ها برای رسیدن به یک «تعریف مشترک» در خصوص حق‌های بشری نیز توجه می‌شود. در واقع، با تعریفی مشترک و همه‌جانبه می‌توان به یک «تساوی در حقوق اجتماعی» رسید که در این تعریف، نقش تفاسیر پویاتر آراء دادگاه حقوق بشر اروپایی با نگاهی به کنسانسوس اروپایی و نیز قواعد و مقررات شناخته شده بین‌المللی بسیار پر اهمیت می‌باشد.

۱- ماده ۱۴: ممنوعیت تبعیض برخوردار از حقوق و آزادی‌های مقرر شده در این کنوانسیون، می‌بایست بدون تبعیض از هر حیث نظیر جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و سایر عقاید، خاستگاه ملی یا اجتماعی، تعلق به یک اقلیت ملی، دارایی، تولد یا سایر وضعیت‌ها؛ تضمین شود.

References

- Ababas & others v. Azerbaijan. (2017). Application no 69397/11, *ECtHR*.
- Ali Gunes v. Turkey. (2012). Application no 9829/07, *ECtHR*.
- Anderson v. the United Kingdom. (1997). Application no 33689/96, Commission decision, *ECtHR*.
- Annenkov & Others v. Russia. (2017). Application no 31475/10, *ECtHR*.
- Ärzete Fur Dasleben v. Austria. (1998). Application no 10126/82, *ECtHR*.
- Ashughyan v. Armenia. (2008). Application no 33268/03, *ECtHR*.
- Association of Citizens "Radko" & Paunkovski v. the Former Yugoslav Republic of Macedonia. (2009). Application no 74651/01, *ECtHR*.
- Ayangil & others v. Turkey. (2011). Application no 33294/03, *ECtHR*.
- Baka v. Hungary. (2016). Application no 20261/12, *ECtHR*.
- Balcik v. Turkey. (2007). Application no 29/11/2007, *ECtHR*.
- Barankevich v. Russia. (2007). Application no 10519/03, *ECtHR*.
- Belyaeva, N. (2010). *Guidelines on freedom of peaceful assembly. Prepared by the osce/odhr panel of Experts on the freedom of assembly*. Warsaw/Strasbourg.
- Berladir & Others v. Russia. (2012). Application no 34202/06, *ECtHR*.
- Bukta & Others v. Hungary. (2007). Application no 25691/04, *ECtHR*.
- Chernega & Others v. Ukraine. (2019). Application no 74768/10, *ECHR*.
- Cisse v. France. (2002). Application no 51346/99, *ECtHR*.
- Cohen, Bruce. (2004). *Sources of sociology*. Translated by Tusli, GH, A, & Fazel, R. Tehran: Organization for the Study & Editing of Humanities Books (SAMT). (in Persian)
- Danilenkov & Others v. Russia. (2009). Application no 67336/01, *ECtHR*.
- Djavit A v. Turkey. (2003). Application no 20652/92, *ECtHR*.
- Enerji Yapı-Yol Sen v. Turkey. (2009). Application no 68959/01, *ECtHR*.
- Eslami R, K, Mohammad, M. (2013). *Freedom of assembly in the international human rights system & Iran's legal system*. Tehran: Majd Publications. (in Persian)
- Eslami R, Kamalvand, M, M. (2013). Challenges of freedom of assembly in Iran's legal system in the light of the international human rights system. *International Legal Journal*, no 50/187-222. (in Persian)
- Éva Molnár v. Hungary. (2008). Application no 10346/05, *ECtHR*.
- Ezelin v. France. (1991). Series an Application no 202, *ECtHR*.
- G. v. Germany. (1989). Application no 13079/87, *ECtHR*.
- Galstyan v. Armenia. (2007). Application no 26986/03, *ECtHR*.
- Giuliani & Gaggio v. Italy [GC]. (2011). Application no 23458/02, *ECtHR*.
- Gorzelik & Others v. Poland [GC]. (2004). Application no 44158/98, *ECtHR*.
- Gülcü v. Turkey. (2016). Application no 17526/10, *ECtHR*.
- Gün & Others v. Turkey. (2013). Application no 8029/07, *ECtHR*.
- Hashemi, S, M & Nowrozi, O. (2013). Group rights & freedoms in the procedure of the human rights committee. *Legal Research*, Volume 6, Number 25, 135-160. (in Persian)
- Haywood, Andrew. (2008). *Keywords in politics & public law*. Translated by Amirarjamand A & Mowalizadeh, S, B. Tehran: Amirkabir Publications. (in Persian)
- Ibragim Ibragimov & others v. Russia. (2018). Application no 1413/08 & 28621/11, *ECtHR*.
- Javan Arasteh, H. (2005). *Social & political rights in Islam*. Qom: Maarif Publishing House. (in Persian)
- Jeronovičs v. Latvia [GC]. (2016). Application no 44898/10.109, *ECtHR*.



- Kudrečiūsis & Others v. Lithuania [GC]. (2015). Application no 37553/05, *ECtHR*.
- Kurt Kellermann A. B v. Sweden. (2003). Application no 41579/98, *ECtHR*.
- Laguna Guzman v. Spain. (2020). Application no 41462/17, *ECtHR*.
- Lucas v. United Kingdom. (2003). Application no 39013/02, *ECtHR*.
- Makhmudov v. Russia. (2007). Application no 35082/04, *ECtHR*.
- Mehrdal, S, B & Rouhani, K. (2018). European court of human rights & fundamental labor rights. *International Relations Research*, 9th period, 4th issue, 219-250. (in Persian)
- Navalnyy v. Russia [GC]. (2018). Application nos 29580/12 & 14 others, *ECtHR*.
- Nihal, J. (2002). *The judicial application of human rights law national, regional & international jurisprudence*. Cambridge University Press.
- Nurettin Aldemir & Others v. Turkey. (2007). Application nos 32124/02 & 6 others, *ECtHR*.
- Öllinger v. Austria. (2006). Application no 76900/01, *ECtHR*.
- Partinationaliste Basque Organist ion Regionale Dtparralde v. France. (2007). Application no 71251/01, *ECtHR*.
- Parveen, Kh, & Aslani, F. (2013). *Principles & fundamentals of constitutional rights*. Tehran University Publications. (In Persian)
- Plattform “Ärzte für das Leben” v. Austria. (1988). Series A no 139, *ECtHR*
- Primov & Others v. Russia. (2014). Application no 17391/06, *ECHR*.
- Rai & Evans v. the United Kingdom (dec.). (2009). Application nos 26258/07 & 26255/07, *ECtHR*.
- Ramazanov & others v. Azerbaijan. (2007). Application no 44363/02, *ECtHR*.
- Sergey Kuznetsov v. Russia. (2008). Application no 10877/04, *ECtHR*.
- Shmorgunov & Others v. Ukraine. (2021). Application nos. 15367/14 & 13 others, *ECtHR*.
- Stankov & the United Macedonian Organisation Ilinden v. Bulgaria. (2001). Application no 29221/95, *ECtHR*.
- Suzer ET Eksen Holdng A.S v. Turkey. (2013). Application no 13885/05, *ECtHR*.
- Tabatabai Motamani, M. (2012). *Public freedoms & human right*. Tehran University Publications. (in Persian)
- Taganrog LRO & Others v. Russia. (2022). Application nos 32401/10 & 19 others, *ECtHR*.
- The United Macedonian Organisation Ilinden & Ivanov v. Bulgaria. (2005). Application no 44079/98, *ECtHR*.
- Tufekci, Z. (2014). Social movements & governments in the digital age: Evaluating a complex landscape. *Journal of International Affairs*, Vol. 68, No. 1.
- Tuskia & Others v. Georgia. (2018). Application no 14237/07, *ECtHR*.
- Vitkauskas, D. (2017). *Protecting the right to a fair trial under the European convention on human rights*. A handbook for legal practitioners. 2nd edition. Prepared by dovydas Vitkauskas Strasbourg. Council of Europe.
- Vyerentsov v. Ukraine. (2013). Application no 20372/11, *ECtHR*.
- Wilson, National Union of Journalists & Others v. the United Kingdom. (2002). Application no 30668/96, 30671/96 & 30678/96, *ECtHR*.
- Yaroslav Belousov v. Russia. (2016). Application no 60980/14, *ECtHR*.
- Yasa & others v. Turkey. (2013). Application no 44827/08, *ECtHR*.
- Yezhov & Others v. Russia. (2021). Application no 22051/05, *ECtHR*.
- Zakharova & Others v. Russia. (2022). Application no 12736/10, *ECtHR*.
- Ziliberberg v. Moldova (dec.). (2004). Application no 61821/00, *ECtHR*.